

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه	پیاده‌سازی

اهمیت ماه مبارک رمضان

از ابعاد دیگر ماه مبارک رمضان، خود ظرف زمانی این ماه مبارک است. شرافت ظرف زمانی ماه مبارک رمضان هم خیلی بالاست. چرا؟ چون ظرف نزول قرآن است؛ **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ**^۱؛ ماه رمضان ماهی است که ظرف نزول قرآن است؛ قرآنی که بزرگترین کتاب آسمانی و آخرین آنهاست، و همه‌ی آنچه مایحتاج تعالی و تکامل و تقرّب انسان به خدا و سعادت دنیا و آخرت اوست، از معارف و از دستورالعمل‌ها و تعالیم، در این کتاب قرار داده شده است؛ قرآنی که میوه‌ی همه‌ی سیر کمالی تاریخ بشریت است. در واقع در ماه مبارک رمضان، فضای عالم برای استقبال از ورود مهمانی به نام قرآن آماده می‌شود؛ برای استقبال از قرآن که بزرگترین مائده‌ی آسمانی است. در هر مهمانی، از مهمان با چیزی پذیرایی می‌کنند؛ و در این ضیافت‌الله، در این مهمانی بزرگ خدا، بزرگترین سفره‌ی الهی، بزرگترین غذا و خورشی که مهمانان ماه رمضان با آن پذیرایی می‌شوند، قرآن کریم است که در تعبیر روایات، **مَأْدُبَةُ اللَّهِ**^۲ نامیده شده است.

ماه مبارک رمضان که می‌خواهد از این عطیه‌ی بزرگ آسمانی، یعنی قرآن کریم، استقبال کند، باید با فضایی سرشار از خضوع، خشوع، معنویت و لطافت، زمینه‌ی این استقبال را فراهم کند. روزه‌ی ماه

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۵.

۲. منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، التفسیر، ص ۶۰؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹.

رمضان و عبادات و مناجات‌ها و راز و نیازها و دعاها در واقع این بستر را فراهم می‌کند؛ در روح، آمادگی‌یی فراهم می‌کند تا بتواند پذیرای این مهمان گرانقدر، یعنی قرآن کریم باشد. و شاید بشود گفت همان‌طور که قرآن **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**^۳ اگر سالک بتواند از ماه رمضان به‌درستی و شایستگی بهره بگیرد و به تعبیر امام علیه السلام تنها بهره‌اش از ماه رمضان، گرسنگی و تشنگی نباشد؛ بلکه بهره‌های بلند ماه رمضان هم نصیبش شود و بهره ببرد، وجود خود این انسان می‌تواند محلّ نزول قرآن شود. درست است که در نخستین بار، قرآن به قلب مقدّس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد؛ اما اگر انسان در ماه رمضان، روح و جان خود را صفا ببخشد، می‌تواند در روح و جان خود پذیرای این مهمان شود؛ همان‌طور که بزرگان فرموده‌اند قرآن را طوری بخوانید که گویی دارد به خودتان نازل می‌شود؛ و این زمینه را ماه رمضان می‌تواند برای انسان فراهم کند.

نکته‌ی دیگر در رابطه با ماه مبارک رمضان، یک فضای لطیف معنوی سرشار از مستحبات است. یکی از مهمترین مستحبات این ماه، قرائت قرآن کریم است. جلسه‌ی قبل از خطبه‌ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردم که حضرت فرمودند: اگر کسی در این ماه، یک آیه قرآن بخواند، معادل یک دور کامل قرآن قرائت کردن در سایر ماه‌هاست؛ این همه فضیلت و این همه سازندگی دارد! یعنی در این ماه، روح انسان به‌گونه‌ای است که اگر یک آیه قرآن بخواند، چنان سازندگی‌یی در این روح ایجاد می‌شود که اگر بخواهی همین سازندگی در سایر ماه‌ها در تو ایجاد شود، باید کلّ قرآن را یک دور بخوانی.

و این، انسان را تشویق می‌کند که در این ماه بیشتر به تلاوت قرآن موقّف شود.

تلاوت قرآن مقدمه‌ی پیوند با تعالیم آن است؛ یعنی زندگی را با آموزه‌های قرآن سامان دادن و نظم دادن است. این به یک معنا؛ دوم، مقدمه‌ی این است که روح ما هم با معنویت قرآن و با ارشادات آن، لطافت و طهارت پیدا کند؛ و سوم، مقدمه‌ی این است که اندیشه‌ی ما هم با آگاهی‌ها و معارف قرآن

۳. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۱.

رشد و تعالی پیدا کند. پس، از تلاوت قرآن این مقاصد به دست می آید؛ هم زندگی مان قرآنی می شود، هم احساس های معنوی و ملکوتی قرآنی در ما ایجاد می شود، و هم اندیشه ها و تفکرات قرآنی در ما ایجاد می شود. همه ی اینها رشد می کند و قرائت مقدمه ی اینهاست؛ راهی است برای رسیدن به اینها و ان شاء الله قرآن را این گونه تلاوت کنیم.

سوال: استاد اگر فقط آیه ی عربی را بخوانیم، همین نتایج به دست می آید؟ ما که ترجمه را بلد نیستیم؛ یعنی حتماً قرآن باید با ترجمه خوانده شود، تا این اثرات را روی نفس ما بگذارد؟

پاسخ: اگر کسی آیات را با توجه به معانی آن بخواند، قطعاً بهره اش بالاتر است. در این تردیدی نیست؛ اما اینکه بگوییم کسی که آیات را می خواند، ولی زبان عربی بلد نیست؛ قرآنی هم که در دست دارد، اصلاً ترجمه ندارد که بخواند به ترجمه اش نگاه کند، یا ترجمه دارد، ولی این شخص دارد عبارات عربی قرآن را می خواند و ترجمه را نگاه نمی کند، او هیچ بهره ای نمی برد؛ نه این طور نیست. آری؛ او هم بهره می برد؛ منتها شرطش چیست؟ وقتی انسان به چیزی با عشق نگاه می کند، از آن بهره می برد. فرض کنید مثلاً در زمان جنگ، مادری یک پسر بیشتر هم نداشت. این پسرش بسیجی شد و به جبهه رفت. الان هم مدتی است از این بچه خبری ندارد. این مادر هم یک خانم روستایی بی سواد است که خواندن و نوشتن هم بلد نیست. حالا این پسر جوان رعنایش بعد از یکی دو ماه، نامه ای برای مادرش می نویسد و می فرستد. پستی می آید و این نامه را می آورد، دست این مادر می دهد و می گوید این نامه ای است که پسر از جبهه برای فرستاده است. این مادر سواد خواندن این نامه را ندارد؛ اما آن را باز می کند، می بوسد و روی چشمانش و بر روی قلبش می گذارد. آن مادر با آن عشقی که دارد، ولو سواد خواندن این عبارت را هم ندارد، از همان سفیدی های این کاغذ هزاران نکته ی لطیف احساس می کند و می فهمد؛ که با سوادها که می توانند این عبارت ها را بخوانند، آن قدر دریافت از این نامه نخواهند داشت.

قرآن هم یک نامه‌ی عاشقانه است؛ نامه‌ی معشوق است برای عاشق، یا نامه‌ی عاشق است برای معشوق؛ هر دوی این تعبیرها درست است. اگر بگوییم خدا معشوق و محبوب رسول الله ﷺ بود، آن محبوب و معشوق برای عاشق خودش که پیغمبر ﷺ است، یک نامه فرستاد، درست است. و اگر درست‌تر بخواهیم بگوییم، باید بگوییم خدا عاشق بود و پیغمبر ﷺ معشوق. پیغمبر ﷺ حبیب‌الله است؛ یعنی محبوب و معشوق خداست. پس خلاصه، قرآن یک نامه عاشقانه است؛ یا عاشق برای معشوق فرستاده است، یا معشوق برای عاشق. حال، اگر این قرآن با عشق خوانده شود، بهره‌ی آن به انسان می‌رسد. لذا بزرگان فرموده‌اند وقتی قرآن می‌خوانید، طوری بخوانید که گویی دارد به خودتان نازل می‌شود. همان‌گونه و با همان احساس قرآن بخوانید. اگر قرآن اینطور با عشق خوانده شود؛ یعنی بفهمم که من معنی‌ش را نمی‌فهمم؛ ولی می‌دانم که معشوقی برای عاشقی نامه نوشته؛ خدا برای من نامه نوشته است؛ برای خود من نامه نوشته است. قرآن برای تک‌تک ما آمده است. این‌طور نیست که مخاطب قرآن فقط رسول الله ﷺ باشد. قرآن به ما هم خطاب کرده است: **يا أَيُّهَا النَّاسُ؛^۴ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛^۵** پس نامه برای ما نوشته شده است. خدا در قرآن دارد با ما حرف می‌زند. اگر در قرآن خواندن انسان، آن عشق باشد، آن‌وقت بهره می‌برد؛ ولو معنایش را هم نفهمد. البته اگر این عشق باشد و

۴. سوره‌ی بقره، آیات ۲۱ و ۱۶۸؛ نساء: ۱ و ۱۷۰ و ۱۷۴؛ اعراف: ۱۵۸؛ یونس: ۲۳ و ۵۷ و ۱۰۴ و ۱۰۸؛ حج: ۱ و ۵ و ۴۹ و ۷۳؛

نمل: ۱۶؛ لقمان: ۳۳؛ فاطر: ۳ و ۵ و ۱۵ و حجرات: ۱۳.

۵. سوره‌ی بقره، آیات: ۱۰۴ و ۱۵۳ و ۱۷۲ و ۱۷۸ و ۱۸۳ و ۲۰۸ و ۲۵۴ و ۲۶۴ و ۲۶۷ و ۲۷۸ و ۲۸۲؛ آل‌عمران: ۱۰۰ و ۱۰۲ و

۱۱۸ و ۱۳۰ و ۱۴۹ و ۱۵۶ و ۲۰۰؛ نساء: ۱۹ و ۲۹ و ۴۳ و ۵۹ و ۷۱ و ۹۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۴۴؛ مائده: ۱ و ۲ و ۶ و ۸ و

۱۱ و ۳۵ و ۵۱ و ۵۴ و ۵۷ و ۸۷ و ۹۰ و ۹۴ و ۹۵ و ۱۰۱ و ۱۰۵ و ۱۰۶؛ انفال: ۱۵ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۹ و ۴۵؛ توبه: ۲۳ و

۲۸ و ۳۴ و ۳۸ و ۱۱۹ و ۱۲۳؛ حج: ۷۷؛ نور: ۲۱ و ۲۷ و ۵۸؛ احزاب: ۹ و ۴۱ و ۴۹ و ۵۳ و ۵۶ و ۶۹ و ۷۰؛ محمد: ۷ و ۳۳؛

حجرات: ۱ و ۲ و ۶ و ۱۱ و ۱۲؛ حدید: ۲۸؛ مجادله: ۹ و ۱۱ و ۱۲؛ حشر: ۱۸؛ ممتحنه: ۱ و ۱۰ و ۱۳؛ صف: ۲ و ۱۰ و ۱۴؛ جمعه:

۹؛ منافقون: ۹؛ تغابن: ۱۴ و تحریم: ۶ و ۸.

معنایش را هم بفهمد، **نُورٌ عَلٰی نُورٍ** می‌شود و چه بهتر! ولی این‌گونه نیست که بگوییم چون معنایش را نمی‌فهمیم، پس دیگر نخوانیم؛ چون دیگر هیچ فایده‌ای ندارد. خیر؛ همین هم فایده و خاصیت دارد.

سوال: استاد ببخشید اگر در این ماه یا هر ماه دیگری، انسان برای کس دیگری قرآن بخواند، ثوابش به آن کسی که برایش قرائت می‌کند، می‌رسد؟

پاسخ: قطعاً می‌رسد. همه‌ی اعمال خیری که شما به نیت شخص دیگری انجام می‌دهید، علاوه بر اینکه پاداشش به آن شخص می‌رسد، خود شما هم از آن منتفع می‌شوید. نفع بیشتر را خود شما می‌برید؛ ولو به نیت او انجام می‌دهید. به او هم بهره می‌رسد؛ ولی خودتان هم بهره‌مند می‌شوید.

حالا اگر باز بخواهم مثال بزنم، مثل این است که شما یک قرص یا کپسول یا دارویی را می‌خورید که نمی‌دانید ترکیبات دارویی آن چیست و از نوع تأثیر آن در داخل بدن خبر ندارید؛ ولی وقتی این قرص را خوردید، کار خودش را می‌کند. این‌طور نیست؟ و تأثیر درمانیش را می‌گذارد؛ لذا اگر آیات قرآن با روح اخلاص، عشق و توجه خوانده شود، ولو طرف معنای الفاظش را هم نمی‌فهمد، این‌طور نیست که هیچ بهره‌ای نبرد. قطعاً بهره می‌برد. قرآن نور است، و اگر شما رابطه‌ی درستی با قرآن برقرار کنید، در واقع آن نور به وجود شما منتقل می‌شود و وجود شما وجود نورانی می‌شود.

ببینید! یک‌وقت شخصی قرآن را می‌خواند، ولی حواسش جای دیگری است؛ به چیزهای دیگری دارد فکر می‌کند. این خواندن مثل ذکر لفظی تنهاست که خاصیتی ندارد و شخص بهره‌ای نمی‌برد، یا اگر ببرد، خیلی اندک است. لذا وقتی که ما قرآن را می‌خوانیم، توجه داشته باشیم که این سخن خداست که دارم می‌خوانم؛ خدای محبوب من است که این حرف‌ها را زده و دارد به زبان من جاری می‌شود. لاف‌ل این توجه باشد! البته اگر فهم معانی و تفکر در معانی و تعمق در آن باشد، قطعاً می‌تواند انسان

را بیشتر رشد دهد. حالا اگر جایی هم به آیه‌ای برخورد کردیم که معنای آن را خیلی نفهمیدیم، آنجا هم اگر خالصانه از خود صاحب کلام بخواهیم؛ چون خدا هست دیگر، صاحب کلام در کلامش حاضر است؛ از خدا بخواهیم، بگوییم خدایا! این فرمایشات شما را تا اینجا بشناسم؛ ولی این تگه‌اش را نمی‌فهمم. خودت بگو یعنی چه. خب خدا آنجا هست دیگر، این حرف‌های شما را می‌شنود. اگر خالصانه بنشینید و سکوت کنید، می‌بینید معنای آن به قلب شما الهام شد؛ یعنی خود خدا نشان داد که معنای آن حرف چیست.

سؤال: دو حالت را فرض کنیم. یکی اینکه طرف می‌خواهد قرآن را ختم کند؛ ولو توجه به معنی هم نداشته باشد؛ روزی بیست، سی صفحه می‌خواند. یک نفر هم هست که به معنی ذیل آیه توجه می‌کند؛ ولی تا آخر ماه مبارک شاید بیست صفحه بیشتر نتوانسته است بخواند. کدام یک از این دو شخص، افضل است؟ کسی که با معنا بخواند، یا آنکه قرآن را بدون توجه به معنا ختم کند؟

پاسخ: قطعاً اگر تلاوت توأم با فهم باشد، فضیلت بیشتری دارد. فهمی که مقدمه‌ی عمل هم هست، قطعاً فضیلت بیشتری دارد.

نکته‌ی دیگر در اعمال مستحبّ این ماه، دعاهاست. این ماه سرشار از دعاست. برای نمونه، [دعاهای نقل شده در] *مفاتیح الجنان* را دیده‌اید! تازه همه‌ی دعاهای ماه رمضان در مفاتیح نیست. خیلی دعاهای دیگر نقل شده است که در *اقبال الاعمال* سیدبن طاووس است، در *مصباح کفعمی* است، در جاهای دیگر است و در مفاتیح نیست؛ ولی می‌دانید در همین مفاتیح چقدر دعا برای ماه مبارک رمضان نقل شده است؟! هر روز یک دعای خاصی دارد؛ هر بخشی از روز یک دعای خاص دارد: دعای هنگام افطار، دعای هنگام سحر، مناجات‌های شبانه، مناجات‌های سحری، دعاهای در طول روز؛ چقدر فراوان است! پر است از دعا و این دعاها بسیار بسیار سازنده است؛ فضای بسیار رشدآفرینی فراهم

می‌کند؛ هم برای روح ما، هم برای اندیشه‌ی ما، هم برای زندگی فردی ما و هم برای زندگی اجتماعی ما.

خودتان با دعاها محشور بوده‌اید. من به صورت ویژه و فوق‌العاده بر دو دعا تأکید کنم؛ البته جرأت نمی‌کنم بگویم بر دو دعا؛ چون بعد به یاد دعا‌های دیگر هم می‌افتم و حیفم می‌آید بگویم کسی به آنها بی‌توجه باشد؛ ولی روی دو تا از مناجات‌های سحری تأکید عمده دارم. یکی آن دعای سحر است با این عبارت: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِهِ وَكُلِّ بَهَائِكَ بِهَيْئِهِ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ**.^۷ فقط خدا می‌داند این مناجات چیست؛ ما نمی‌فهمیم، خود معصوم که می‌گفت، می‌فهمید چیست. ما اگر [خیلی توفیق پیدا کنیم] بوی کمی ببریم. خیلی خیلی عظیم است! ولو بوی کمی هم بردیم، بخوانیم و ترک نکنیم. خیلی خیلی بزرگ است! امام علیه السلام کتاب خوبی به نام شرح دعای سحر دارند که همین دعا را شرح عرفانی کرده‌اند و در آن، به بحث اسماء و صفات الهی پرداخته‌اند؛ خیلی کتاب ارزشمندی است!

دومی هم دعای ابوحمزه‌ی ثمالی است. آن هم مناجات سحری امام سجّاد علیه السلام است. چقدر لطیف و زیباست! چقدر عمیق است! چقدر جامع است! همه چیز در آن وجود دارد! خیلی زیباست! من سال‌های قبل هم به عزیزان گفته‌ام؛ این دعا خیلی طولانی است؛ ممکن است شما حوصله‌تان نیاید در یک شب همه‌اش را بخوانید. عیبی ندارد. تقسیمش کنید به ده پانزده قسمت و هر شب یک قسمت را با توجه به معنایش بخوانید و ببینید با روح و جان انسان چه می‌کند! خیلی لطیف است! حالت‌های مختلفی در انسان ایجاد می‌کند؛ حالت‌های مختلف!

۷. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۷؛ طوسی، محمدبن‌الحسن، مصباح‌المتهجّد، ج ۲، ص ۷۶۰ و محدّث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال‌سحرهای ماه‌رمضان، دعای‌سحرهای ماه‌رمضان.

این دعاها نقش‌های تربیتی و آموزنده‌ی زیادی هم دارد؛ جنبه‌های تقویت اراده را دارد، تأکید به نعمت‌های الهی را دارد، تأکید به مسأله‌ی مواسات را دارد؛ عین همان آموزه‌هایی که گفتم در روزه وجود دارد؛ و تأکید به استمداد از خدا برای تکمیل نفس و تعالی روح را دارد. اشاراتی که در این دعاها به مرگ و قیامت شده است، [از همین قبیل است؛] در همین دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، به‌خاطر دارید که چقدر زیبا صحنه‌ی مرگ را ترسیم می‌کند! آن جایی که انسان در بستر افتاده است و نزدیکانش دور او را گرفته‌اند، و این فرد دارد جان می‌دهد، آن لحظه‌ای که جان داد، و اطرافیان او را بلند کردند و بردند و دارند جنازه‌ی او را می‌شویند، آن لحظه‌ای که این جنازه را بلند کردند و به‌سمت محلّ دفنش حمل می‌کنند، آن لحظه‌ای که اطرافیان او را داخل قبر می‌گذارند، تمام این صحنه‌ها را به‌یاد می‌آورد. و آن لحظه‌ای را به‌یاد می‌آورد که فردای قیامت، انسان‌ها عریان، ذلیل و خائف از قبرها بیرون می‌آیند؛ **أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَ أُخْرَى عَنْ شِمَالِي**: یک لحظه به راست می‌نگرد و یک لحظه به چپ، این طرف و آن طرف؛ خلاق هم هریک مشغول مشکلات خودشان هستند، و این انسان درمانده مانده است. آن وقت: **«وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ؛ ضَاكَّةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ»**^۹

آموزه‌های بسیار بلندی در این دعا هست، که اگر ان‌شاءالله در این ماه موفق بودید دعاها را با توجه و تدبّر بخوانید، خودتان می‌بینید چه نقش سازنده‌ای در وجود انسان دارد؛ چطور روح اخلاص را در انسان قوی می‌کند و چطور روح بندگی، عبودیت و عرفان را در او تثبیت می‌کند!

باز از آموزه‌های دیگر دعا غیر از نقش تربیتیش، تفهیم پیوستگی اسلام به‌منزله‌ی یک تمامیت به‌هم پیوسته است. شما در همین دعای ابوحمزه‌ی ثمالی دارید، در دعا‌های دیگر این ماه هم هست؛ در عین

^۸ سوره‌ی عبس، آیات ۳۸ و ۳۹.

^۹ سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۲؛ طوسی، محمدبن‌الحسن، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۵۹۱ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال‌سحرهای ماه رمضان، دعای ابوحمزه‌ی ثمالی.

اینکه دارید دعا می‌خوانید، طلب حج می‌کنید: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ**^{۱۰} همینطور طلب اینکه یک نمازگزار شایسته باشید و بتوانید به شایستگی وظایف دینی‌تان را انجام دهید، از امر به معروف و نهی از منکر، از اقامه‌ی صلاه، از همه‌ی وظایف دینی. در واقع تصویری از دین در این دعاها ترسیم شده است که نشان می‌دهد جهاد در راه خدا با نماز خواندن، با روزه گرفتن، با خمس و زکات دادن، با امر به معروف و نهی از منکر کردن، اینها یک کلّ منسجم است. ما دین تک‌بُعدی و تک‌ساحتی نداریم. دینی که فقط در عبادت خلاصه شود، یا فقط در سیاست خلاصه شود، هیچ‌کدام از اینها حقیقت دین نیست. همان‌طور که تبلور دین در شخصیت معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، در وجود پیغمبر اکرم و ائمه‌ی هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ نشان می‌دهد، که در اوج عرفان بیدارترین چهره‌ی سیاسی بودند، در اوج لطافت و رحمت و رأفت، خروشان‌ترین چهره‌ی ضدّ ستم و ضدّ فساد بودند. به‌رحال، تفهیم این پیوستگی اسلام به‌عنوان یک دین جامع در آموزه‌های این دعاها به ما عرضه می‌شود.

همین‌طور باز اشاره کرده‌ایم که این دعاها ما را به‌سمت قرآن و عترت برمی‌گرداند. نمونه‌ی زیبا و قشنگش را در این شب‌های احیاء، داشته‌اید. درحالی‌که قرآن را روی سر گذاشته بودید و خودتان را در پناه قرآن قرار داده بودید و زیر چتر قرآن قرار گرفته بودید، یک‌یک معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را هم نام می‌بردید؛ به یک‌یک آنها خدا را سوگند می‌دادید. پیوند قرآن و عترت به‌منزله‌ی دو جزء غیرقابل انفصال، که فرمود: **لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضِ**^{۱۱} آموزه‌ای است که همین دعاها ماه مبارک رمضان به یاد ما می‌آورد و ما را به آن متوجّه می‌کند.

۱۰. سیّدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۲۴؛ طوسی، محمدبن‌الحسن، تهذیب، ج ۳، ص ۱۱۵ و محدّث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال‌مشترک‌ماه‌رمضان.

۱۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ حرّعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۸۹ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۱۲.

باز اشاره کرده‌ایم؛ از آموزه‌های دیگری که دعاهای ماه رمضان دارد، به یاد امام عصر افتادن و زنده شدن روح انتظار در انسان با آن مفهوم بلندی است که خود انتظار دارد. همین دعای افتتاحی که خوانده شدنش در شب‌های ماه مبارک رمضان خیلی فضیلت دارد، یکی از شاخص‌ترین دعاهایی است که مسأله‌ی مهدویت را پررنگ، و روح انتظار را در انسان تقویت می‌کند؛ به اهداف قیام حضرت مهدی ارواحنفاذ اشاره می‌کند، و بعد شرایطی که ما در دوران غیبت در آن قرار گرفته‌ایم را به ما یادآور می‌شود. هدف ما این است: **اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.** این هدف و این برنامه‌ی بلند را نشان می‌دهد و بعد شرایط غیبت را وصف می‌کند که شیعه در غربت است؛ یاران واقعی امام عصر ارواحنفاذ در غربتند: **اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا وَ غَيَّبَهُ وَ لَبِينَا وَ كَثُرَتْ عَدُوْنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا.**^{۱۲} حقیقتاً این دعاها تعلیم‌های بسیار زیبا و جامعی دارد. همه‌ی آنچه در مکتب تشیع، لازمه‌ی ساخته شدن یک انسان والاست، در این دعاها در دسترس یک مؤمن قرار می‌گیرد.

پس همان‌طور که گفتیم، جوّ ماه مبارک رمضان، سرشار از مستحبات است. مستحبات این ماه هم فقط قرائت قرآن و دعاها نیست؛ نمازهای بسیار زیبایی که در این ماه وارد شده، بسیار زیبا، بسیار سازنده، بسیار پر ارج و پر اجر است! و همین‌طور شب‌زنده‌داری‌ها، در دل سحر برخاستن و خلوت کردن با خدای متعال، که یک توفیق اجباری است و روزه‌دارهای ماه مبارک رمضان اگر در یازده ماه دیگر هم خیلی موفق نیستند، در این یک ماه، سحر را تجربه می‌کنند؛ در این خلوتگاه انس عاشقان خدا، حضور پیدا می‌کنند و در دل سحرگاه‌ها با محبوب خود نرد عشق می‌بازند.

۱۲. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۶۱؛ طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب، ج ۳، ص ۱۱۱ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، اعمال شب‌های ماه رمضان، دعای افتتاح.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

www.ahlevela.com

اهل ولاء

www.ahlevela.com

اهل ولاء